

زنان

میزگرد «ایران جمعه» با موضوع بررسی تحولات سبک زندگی دختران نوجوان

صدای دختر نوجوان شنیده نمی شود

سیده نرگس حسینی

دبیر گروه زنان
nhossein1۹۳@chmail.ir



ما با چه تحولاتی در سبک زندگی دختران نوجوان مواجه هستیم و ریشه آنها چیست؟
قنبری: بر اثر ورود تکنولوژی و رسانه‌ها تغییر در وضعیت جامعه به وجود آمده که در نوجوانان میزان آن بیشتر است، زیرا در ذهن آنها تصویر دیگری وجود نداشته که تغییر و تحولی در آن ایجاد شده باشد بلکه این نخستین چیزی است که با آن مواجه شده‌اند، پس بالطبع برای شناختن نوجوانان باید دنیای آنها را بشناسیم، اعم از فیلم‌هایی که می‌بینند، موسیقی‌هایی که گوش می‌کنند، درکی که از مسائل دارند و حتی کلماتی که بیان می‌کنند. ممکن است معنی کلمات از نظر آنها با معنی‌ای که ما فکر می‌کنیم فرق داشته باشد. بنابراین مهم‌ترین اتفاق تحول هویتی نوجوانان است که نیازمند شناخت دقیق است.

رخ دادن تحول در سبک زندگی نوجوان بخصوص دختران بر کسی پوشیده نیست اما شاید کمتر به آن پرداخته شده باشد. شناخت این تحول‌ها، ریشه‌های آن و گفت‌وگو درباره راهکارها می‌تواند به ترسیم مسیری کارآمد برای آینده کمک کند. برای انجام چنین کاری، معلمان از جمله نزدیک‌ترین افراد به نوجوانان هستند که می‌توانند

حبیبی: من هم موافقم. انقلاب ارتباطی که مرزهای مکانی و زمانی را برداشته و نسل جدید را مصرف‌کننده فرهنگ جهانی کرده و این نسل با خرده‌فرهنگ‌های متفاوتی مواجه است. او می‌تواند انتخاب کند چه مدلی لباس بپوشد، چکار کند و حتی خودش در این عرصه تولیدکننده است و این تفاوت بین این نسل و نسل قبل است. نسل قبل همان سیستمی را دنبال می‌کرد که خانواده، مدارس و... داشت ولی برای این نسل کنترلی وجود ندارد، پس این نسل آزادی را داشته است. اینکه اکنون شعار آزادی می‌دهند یک اتفاق طبیعی است، چون این سبک زندگی این نسل است، اما معضل اینجا است که این نسل با تکثر فرهنگی مواجه شده در حالی که آگاهی و مهارت انتخاب را نداشته و بیشتر با موج‌های جریان جلورفته است و اینگونه نبوده

نظر دقیقی درباره آنان بدهند. علاوه بر این، اکنون مجموعه‌های فرهنگی با دغدغه دختران نوجوان مشغول به فعالیت هستند. ما در این میزگرد میزبان نمایندگان از هر دو گروه بودیم؛ طاهره حبیبی، دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه تهران و دبیر فلسفه و منطق؛ نجمه قنبری، کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی دانشگاه علوم تحقیقات و

که تفکر کند. سیستم آموزشی و خانواده هم در این زمینه به او کمک نکرده است، زیرا این تحول فرهنگی برایشان پذیرفته شده نبوده، به آن فکر نکرده و برنامه‌ای برای آن نداشته‌اند.
شفاف: دختر امروز همان دختر گذشته است و همان فطرت و نیازها را دارد ولی فضایی که اکنون برای او است با فضای گذشته متفاوت است. در گذشته فضای بیشتری برای دختران فراهم بود که به نیازها و علایق خود برسند. به‌عنوان نمونه دختر دوست داشتیم در یک فضای مثبت و پرانرژی باشم که امنیت هم داشته باشم و این موارد را از طریق خانواده، اقوام و رفت‌وآمدها دریافت می‌کردم ولی در حال حاضر چون سبک زندگی‌ها نه تنها در کشور ما بلکه در کل جهان متفاوت شده است و آن فضای شاد کمتر دیده می‌شود، نمی‌توان به این نیاز به اندازه گذشته پاسخ داد.

معلم تفکر، جامعه‌شناسی و طراح آموزشی؛ فاطمه شفاف، کارشناسی علوم آزمایشگاهی دانشگاه علوم پزشکی تهران و مسئول مجموعه فرهنگی تمنا و سیده طیبه خدابخشی، کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی ایران و نماینده جمعیت دختران ایران. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانید.

یا در نمونه دیگر، من به‌عنوان یک دختر دوست دارم در خانواده یا در فضای دوستانه نقشی را ایفا کنم و بدانم این نقش مال من است و قرار است در آن دیده و تشویق شوم. در حال حاضر زمینه این نقش آفرینی برای دخترها وجود ندارد و خود آنها هم مهارت‌های لازم را برای ایفای این نقش ندارند، چراکه یا آموزش داده نشده یا خودشان به دنبال آگاهی نبودند.
خدابخشی: مهم‌ترین اثر فضای مجازی، روی سبک زندگی نوجوانان است. ۸ ساعت استفاده از گوشی قطعاً بر بدن و مغز اثر می‌گذارد. حتی فارغ از محتوا و اینکه آن فرزند چه می‌کند، همین میزان زمان استفاده، اثر خود را می‌گذارد. البته تفاوت‌هایی در نگاه پدر و مادرها نسبت به تربیت رخ داده است ولی من سهم اول تحولات را به فضای مجازی می‌دهم.

با توجه به مسائلی که بیان شد، راهکار برای وضعیت فعلی چه می‌تواند باشد؟

قنبری: زمانی که ما شناخت درستی نداشته باشیم، نمی‌توانیم راهکار قانع‌کننده‌ای بدهیم. به‌عنوان نمونه همان‌طور که گفتند ما ۱۶ درصد خانم شاغل داریم و معمولاً زنان دیگر را نمی‌بینیم. به همین زنان شاغل هم مدام تأکید می‌کنیم که به خانه برگردند! باید شناخت دقیقی از فضای دختران داشته باشیم؛ وقتی به پزشک مراجعه می‌کنیم هم ابتدا والدین، معلم و... باید به حرف‌های خود نوجوانان گوش بدهیم. همچنین باید باور داشته باشیم هیچ چیز سریع تغییر نمی‌کند. مطالعه کنیم، بشنویم و... ما به جای آنکه بشنویم چون می‌خواهیم نوجوان اشتباه نکند بسرعت شروع می‌کنیم داده‌های خوب به او می‌دهیم. نوجوان اگر خودش صحبت کند و شنونده داشته باشد گاهی ناخودآگاه خودش به اشتباه‌هاش یا نیازش پی می‌برد.

حبیبی: ما در کشور حکمرانی تربیتی نداریم نه در آموزش و پرورش، نه در صداوسیما، نه شهرداری و... در کشورهای دیگر سال‌ها تلاش می‌کنند تا از طریق پیمایش مشخص کنند که مثلاً مسائل اصلی دانشجویان چیست اما ما چنین فضایی نداریم.

اکنون در آموزش و پرورش کتاب‌ها به یک سری حفظیات خلاصه شده است. حفظیات و آزمون‌ها استرس و اضطراب به معلمان و بچه‌ها وارد می‌کند. معلم‌ها می‌خواهند کلاس پویایی داشته باشند ولی فشار مدیر و والدین برای امتحان گرفتن و جزوه دادن وجود دارد. همچنین کتاب‌ها همه دانش‌آموزان را در نظر نگرفته است؛ اعم از دانش‌آموزی که نمی‌خواهد به دانشگاه برود، دانش‌آموزی که حمایت خانواده را ندارد و... ما باید روی نوجوانان مطالعه کنیم و خانواده‌ها هم صدای فرزندان‌شان را بشنوند و این را بپذیریم که این نوجوانان در آینده پیش‌برنده تمدن ایران و اسلام هستند.

شفاف: ما اگر بخواهیم برای یک نسل و گروهی تصمیم بگیریم و استراتژی پیاده کنیم اول از همه باید آن را تعریف کرده باشیم، به انگلیسی می‌گوییم برنندسازی؛ در حال حاضر در دنیا بزرگ‌ترین برند مادر است، شما هر جای جهان اسم مادر را بیاورید همه یک تعریف برای آن دارند ولی اگر در ایران بگویید نوجوان دختر هرکس یک تعریف و سیاستگذاری برای خود دارد. این برند شدن اول اینکه افراد متخصص می‌خواهد، دوم اینکه تعریف این نسل را باید از زبان خودشان شنید.

خدابخشی: غصه خوردن برای گذشته فایده ندارد اما باید از آنها درس گرفت. یک اشتباه در گذشته داشتیم و آن اینکه در یک مقطع زمانی تمرکز تبلیغاتی روی مادران بود و مادران تحت تأثیر این تبلیغات فکر می‌کردند که باید فرزندان‌شان را با مدل خاصی بزرگ کنند؛ این اتفاق استرس مادرها را بالا برد و آنها روش مخصوص خود را از دست دادند. الان هم این تمرکز روی نوجوانان است و می‌تواند همان قدر آسیب‌زننده باشد. نباید کار شتاب‌زده‌ای انجام داد. باید شغل و سرگرمی را برای دختران به رسمیت شناخت. دختر ایرانی ۱۵ ساعت در روز در تابستان بیکار است و باید برنامه‌ها، سرگرمی و شغل‌هایی برای او در نظر گرفت.

حبیبی: انقلاب ارتباطی که مرزهای مکانی و زمانی را برداشته نسل جدید را مصرف‌کننده فرهنگ جهانی کرده و این نسل با خرده‌فرهنگ‌های متفاوتی مواجه است؛ او می‌تواند انتخاب کند چه مدلی لباس بپوشد، چه کار کند و حتی خودش در این عرصه تولیدکننده است و این تفاوت بین این نسل و نسل قبل است. نسل قبل همان سیستمی را دنبال می‌کرد که خانواده، مدارس و... داشت ولی برای این نسل کنترلی وجود ندارد

قنبری: تمدن چیزی است که وقتی به آن مراجعه می‌کنید بتواند پاسخگوی شما باشد. پس تمدن در جایی دچار بحران می‌شود که نسل جدید سؤالاتی را عرضه کند و آن نتواند پاسخگو باشد؛ در حال حاضر زمانی که نسل جدید سؤالاتی را به تمدن ارجاع می‌دهد به پاسخ نمی‌رسد. در حوزه زنان این قضیه چندبرابر است

شفاف: برای این که دختر بتواند نقش طبیعی خود را ایفا کند به ابزارهایی نیاز دارد؛ اول قدرت عاطفی و احساسی، دوم قوی بودن - دختران نسبت به پسران زودتر رنجیده می‌شوند ولی قوی‌تر عمل می‌کنند- و سومین ابزار آگاهی که باید با چرخش نسل‌ها برای آن‌ها به روز بشود. ابزار آگاهی دو ویژگی قبلی را مدیریت می‌کند. مشکل آن است که ما نسبت به نسل جدید منفعل عمل کرده‌ایم و به آن‌ها آگاهی نداده‌ایم



در خصوص تحولات سبک زندگی نوجوانان صحبت شد. نمود این تحولات در دختران چگونه است و چه تفاوت‌هایی دارد؟

قنبری: تمدن چیزی است که وقتی به آن مراجعه می‌کنید بتواند پاسخگوی شما باشد. پس تمدن در جایی دچار بحران می‌شود که نسل جدید سؤالاتی را عرضه کند و آن نتواند پاسخگو باشد؛ این اتفاقی است که برای ما افتاده. در صدر اسلام یک دوره درخشان داشتیم و بعد دین وارد عرصه اجتماعی - فرهنگی شد؛ بنابراین با ورود دین به فرهنگ، دین خود را در آن جا‌نمایی کرد. در نتیجه ما دیگر شبیه صدر اسلام نیستیم بلکه شبیه بافت فرهنگی شده‌ایم که این دین خود را به آن وارد کرده است. در حال حاضر زمانی که نسل جدید سؤالاتی را به تمدن ارجاع می‌دهد به پاسخ نمی‌رسد. در حوزه زنان این قضیه چند برابر است. انقلاب ۵۷ و هر انقلابی به آدمی جهش می‌دهد و آن کسی که با مسأله مواجه بوده جهش بیشتری دارد. بنابراین انقلاب اسلامی بیشترین جهش را در زنان داشت. این زنان همراه با سؤالاتی برای کشف کردن بودند اما هسته مرکزی سلانه سلانه حرکت می‌کند و در مقابل دنیای معاصر پاسخ‌هایی به آنها می‌دهد. بنابراین زنان خود را با نظم جهانی تطبیق می‌دهند و ما در عین حال که جوابی نداریم فقط می‌گوییم چه چیزی بد است.

پس آنها بیشترین فاصله را از ما می‌گیرند و این وضعیت برای دختران بدتر است. ما همیشه یک قدم از نسل جدید عقب‌تر هستیم و فقط در تلاش برای حذف جریان‌های رقیب هستیم که ناممکن است. به جای آنکه تجربه خود را به او بیاموزیم آنها را به او تحمیل می‌کنیم. ما اصلاً خبر نداریم که او کیست و تا وقتی خبر نداشته باشیم نمی‌توانیم او را راهنمایی کنیم.

حبیبی: برای دختر بحران جدی‌تر است؛ زیرا نگاه او به خاطر همان مصرف فرهنگ جهانی دیگر مانند زن سنتی نیست. حتی اگر آشنایی‌اش با این فرهنگ عمیق نباشد آنها را شنیده است. دختر برابری می‌خواهد ولی پسر در فضای اجتماعی این بحران‌ها را ندارد؛ زیرا فضای مردسالاری پشت اوست. زنی که نمی‌تواند عاملیت خود را نشان دهد دچار بحران می‌شود. آن قدر سبک زندگی عوض شده که این نگاه که او دختر خوبی باشد و بعدها ازدواج کند دیگر مورد قبولش نیست و حتی نحوه ازدواج کردن هم متفاوت شده است. نهادهایی هم که وظیفه تداوم ارزش‌ها را دارند و انتظار می‌رود پشتیبان او باشند، نسبت به این مسائل غافل بوده‌اند. مسأله زنان و دختران در هیچ عرصه‌ای مهم واقع نشده، نهایت توجه ساخت پارک بانوان است. دختران دارند تبعیض را می‌بینند و آزادی عمل و عاملیت ندارند. به‌لحاظ

عرصه‌های هنری و ورزشی می‌شوند ولی به صورت کلی رقابت برای آنها بسیار سخت‌تر است؛ از همین روست که شعرها به صورت ناخودآگاه رنگ جنسیتی می‌گیرد. شاید اگر از جای دیگری شروع می‌شد این شعرها این‌گونه نبودند. من یک بار در کلاس منطق از بچه‌ها معنی آزادی در شعار زن، زندگی، آزادی را پرسیدم. از ۳۰ نفر دو نفر شبیه هم پاسخ ندادند! من گفتم شما که نمی‌دانید مطالبه‌تان چیست چرا آن را تکرار می‌کنید؟ آنها آموزش ندیده‌اند و در نتیجه تقاضای حق خود را نمی‌توانند به روش صحیح ابراز کنند و آن را با خشم و هیجان ابراز می‌کنند.

شفاف: خداوند به زنان نقش رشد کردن و رشد دادن داده؛ آنها خلق می‌کنند و رشد می‌دهند و از چنین نقشی انرژی مثبت می‌گیرند؛ چه در بچه‌داری باشد چه در معلمی و چه آنکه بروز نکند اما این احساس در وجود یک دختر هست. برای اینکه او بتواند این نقش را ایفا کند به ابزارهایی نیاز دارد؛ اول قدرت عاطفی و احساسی که با آن هم از خود و هم از دیگری حمایت می‌کند، دوم قوی بودن که در ذات همه دخترها هست - دختران نسبت به پسران زودتر رنجیده می‌شوند ولی قوی‌تر عمل می‌کنند- و سومین ابزار آگاهی که باید با چرخش نسل‌ها برای آنها به‌روز شود. ابزار آگاهی دو ویژگی قبلی را مدیریت می‌کند. مشکل

آن است که ما نسبت به نسل جدید منفعل عمل کرده و به آنها آگاهی نداده‌ایم. من با صحبت خانم قنبری موافقم که این تمدن باید پاسخگو باشد اما ما همیشه خود را در نقش پاسخگو قرار داده‌ایم؛ در صورتی که اگر به نوجوان آگاهی می‌دادیم آنها بودند که این تمدن را جلو می‌بردند و از ما سؤالی نداشتند.

خدابخشی: نکته‌ای که نسبت به صحبت‌های خانم قنبری وجود دارد این است که شاید نگاه ما به دختر ایرانی محدود به قشر خاصی شده است. پژوهشی در خصوص شکاف نسلی انجام شده که در نتایج آن مشخص شده بود ما شکاف نسلی نداریم و فقط به یک مرحله اولیه از شکاف رسیده‌ایم. زمانی که با دخترهای مختلف کار می‌کردم گاهی می‌دیدم که افکارشان چقدر شبیه مادر من و سنتی است و این برای من تعجب‌آور بود. بنابراین ممکن است تصور ما از دختر نوجوان دقیق نباشد. تمایز بین دختر و پسر نوجوان هم این است که پسر بسرعت هویت‌هایی را که می‌خواهد بدون چالش و دردسر به دست می‌آورد ولی برای دختران این‌گونه نیست؛ تنها ۱۶ درصد زنان ایرانی شاغل هستند. پس اکثر آنها از طریق شغل هویت نمی‌گیرند و باید از مؤلفه‌های دیگری آن را دریافت کنند. مدرن شدن در نقاط دیگر نیز به اندازه شغل راحت نیست.